

عنوان مقاله:

اسطوره در شناخت ادبیات

محل انتشار:

فصلنامه نقد ادبی، دوره 3، شماره 11 (سال: 1389)

تعداد صفحات اصل مقاله: 26

نویسنده:

خلاصه مقاله:

در این مقاله کوشش کرده ایم درباره نقد اسطوره ای- یکی از شیوه های مهم نقد ادبی - و دیدگاه های متنوعی که در این زمینه وجود دارد سخن بگوییم . اسطوره با اجزای مختلف ادبیات نسبت دارد . مقصود از ادبیات ، هم شامل ادبیات کتبی است و هم ادبیات شفاهی؛ زیرا پیوند اسطوره ها را با ادبیات شفاهی نمی توان نادیده گرفت؛ چنان که روایت های شفاهی از برخی اسطوره های ایرانی هنوز هم در بین مردم ایران رایج است . پیوند اسطوره و ادبیات را می توان در حوزه شعر، داستان، قصه و روایت نشان داد . شاید نتوان شاعری را یافت که در آفرینش های ادبی و بدیعی خود از اسطوره ها، تشبیهات و استعارات و یا تلمیحاتی که بر اسطوره ها دلالت دارد استفاده نکرده باشد . به ویژه، کهن الگوها که از محتویات ناخودآگاه جمعی بشری است و در مباحث اسطوره شناسی از اهمیت ویژه ای برخوردار است، در تمام آثار ادبی به عنوان بن مایه تکرارشونده تجلی یافته است. اسطوره با انواع ادبی نیز ارتباط دارد؛ حتی برخی آن را یک نوع مستقل دانسته اند. همچنین اسطوره بر مکتب های گوناگون ادبی نیز تاثیر گذاشته است . زبان شناسان نیز نتوانسته اند از مباحث اسطوره شناسی دور بمانند؛ به گونه ای که مقوله زبان و اسطوره فصل های دامنه داری را در این گونه تحقیقات به خود اختصاص است . بنابراین، می توان ادبیات را از دیدگاه اسطوره شناسی ارزیابی کرد و از این راه به امکاناتی دست یافت که شناخت متن های ادبی (اعم از کتبی و شفاهی) را امکان پذیر کند.

کلمات کلیدی:

داستان، اسطوره، روایت، کهن الگو، شعر، ادبیات کتبی و شفاهی، نقد اسطوره ای

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/1837431>

